

در افغانستان چه می‌گذرد ؟

حمله به دولت وابسته به شوروی افغانستان شعار اساسی هم
محافظه کاران و هم لیبرالها برای جلب حمایت امپریالیسم
امریکاست

الف . ناظر

استان امان اله خان در اعلام مخالفت با حجاب در سال ۱۹۲۰، به قیمت تاج و تخت او تمام شد. دولت کنونی افغانستان که خود نه در نتیجه یک بسیج توده‌ای دراز مدت، بلکه توسط یک کودتای نظامی بر روی کار آمده است با مشکلاتی مانند امان اله خان مواجه شده است. اعلام و انجام برنامه‌ی حجاب برای مرد - می که سالها در عقب مانده ترین شرایط سر برده‌اند، و در فرصتی کوتاه که مجال تجدید تربیت سیاسی برای آنها فراهم نبوده است، خود به عاملی برای تشدید نارضایتی مردم تبدیل شده است. ژرادیویراتل، فرستاده‌ی ویژه "لوموند" به افغانستان در گزارش خود مینویسد:

"رژیم در برابر مردمی به ظاهر بی تفاوت و نگران، که موفق به جلب اعتماد و بسیجشان نمیشود بر سه نیرو متکی است: اتحاد جماهیر شوروی، ارتش و پلیس، و حزب مبارزان حزب خلق، یعنی خلقی‌ها. با باروندهای قرمر و وسیله‌های کلفت در همه جا حاضرند، از پست های دولتی تا واحد های روستایی وایلی..... بدینسان سراسر کشور پوشیده از این پاسداران انقلاب است و پیدایش این گروه پیشاهنگ

بود. این فرمان اخیر که سال گذشته صادر گردید، حد نصاب مالکیت زمین برای اراضی آبی را تقریباً هکتار تعیین کرده است. طبق این قانون بقیه اراضی باید بین دهقانان فقیر، رعایا و کوچ نشینان تقسیم گردد. آغاز اصلاحات ارضی بهانه مناسبی برای جناح های ارتجاعی، جهت آغاز حمله مستقیم علیه دولت مرکزی بود. در چندین ایالت انجام اصلاحات ارضی با مقاومت شدید این جناح ها روبرو شده و در سایر ایالات نیز فقط با کمک نیروهای نظامی دولتی امکان پذیر بوده است. یکی دیگر از دلایل مخالفت نیروهای مذهبی با دولت، مخالفت شدید دولت با برخی سازمانهای ارتجاعی اسلامی (اخسوان المسلمین) است. ولی با این همه شاید بتوان ادعا کرد که عمده ترین دلیل مخالفت با دولت برنامه های اصلاحی آن برای جدا کردن مذهب از سیاست و کاهش

درگیریهایی که از زمستان سال گذشته بین "مسلمانان" و نیروهای نظامی دولتی در افغانستان آغاز شده است. بعد از گذشت چند ماه به جنگ داخلی پرداخته‌ای در قسمت بزرگی از این کشور تبدیل شد، و بر اساس گزارش ناظرین غربی حتی به اطراف پایتخت کابل نیز کشیده شده است. اوج این جنگ داخلی تاکنون، اشغال مرکز ایالت هرات توسط مسلمانان بوده است. دولت افغانستان برای بار پس گرفتن این شهر محور به بمباران هوایی این شهر شده و بعد از تلفات زیاد موفق شد این شهر را از دست شورشیان خارج کند.

دولتی که در اوایل سال گذشته بعد از یک کودتای نظامی به قدرت رسید، در آغاز به علت اختناق شدیدی که توسط رژیم سابق (محمد داود خان) اعمال میشد مورد پشتیبانی نسبی مردم قرار گرفت. دور فرامین شماره ۶-۷ و ۸ نیز این



"مسلمانان افغانستان برای مبارزه با کمونیستهای از خدایی خبر آماده شده‌اند"

پر شور، سلسله مراتب سنتی موجود در دستگاه اداری و نیز بافتن جماعتی سنتی مبتنی بر مناسبات وابستگی در روستاها را، بهم ریخته است. با این همه بایسد اذعان کرد که محتوای تبلیغات

نقش آن به حدی که اعتقاد شخصی است. این مسئله در افغانستان با توجه به فرهنگ عقب افتاده و قرون وسطایی حاکم در بین بخشهای وسیعی از مردم، طبیعتاً مخالفت‌هایی را ایجاد میکند. نباید فراموش کنیم که تصمیم شاه سابق افغا

حمایت مردم را بیشتر تقویت نمود. فرمان شماره ۶ در مورد لغو نزع و خواری و گروی زمین، فرمان شماره ۷ در مورد مقررات ازدواج (تعیین حد نصاب برای مهریه به میزان حدوداً ۱۰۰۰ ریال) و فرمان شماره ۸ در مورد اصلاحات ارضی

شوروی

دولت شوروی، بلافاصله بعد از کودتا، رژیم جدید افغانستان را به رسمیت شناخته و قرار داد مودت بی طرفین به امضاء رسید. براساس این قرارداد شوروی متعهد شد که کمکهای مالی، فنی و انسانی خود را به کشور افزایش دهد. سیاست دولت افغانستان نیز، بخصوص در زمینه سیاست خارجی کاملاً تکیه به شوروی دارد. وجود مرز طولانی بین افغانستان و شوروی، از نظر استراتژیک به این کشور برای شوروی اهمیت خاصی بخشیده است. و از همین روست که دولت شوروی حاضر نیست به هیچ قیمتی فرصت بدست آمده را از دست بدهد. در حالیکه شوروی، در مقابل حمله چین به ویتنام، فقط به صدور یک اعلامیه رسمی و آنهم بعد از مدت ها که از این تجاوز میگذشت، قناعت میکند، در مورد افغانستان، بلافاصله بعد از اولین شواهد مداخله پاکستان اعلامیه ای شدیدالحن صادر کرده و غیر مستقیم پاکستان را تهدید به حمله متقابل نموده است. یکی از دلایلی که تاکنون رژیم افغانستان توانسته است در مقابل حملات شورشیان سرپا بماند، ارسال تجهیزات نظامی، مانند هلیکوپتر و جت های جنگی از طرف شوروی به این کشور است. از جانب دیگر اگر چه تا کنون علائمی از دخالت مستقیم شوروی در جنگ داخلی مشاهده نشده ولی به حساسیتی که شوروی در حفظ رژیم تره کی نشان میدهد، اقدام به این دخالت در آینده غیر ممکن نیست. 

امپریالیسم کوشش های وسیعی را برای بازگرداندن این کشور به جرگه رژیمهای دست نشانده اش آغاز کرده است. رژیم ارتجاعی پاکستان و نیروهایی به همان اندازه ارتجاعی در خود افغانستان این وظیفه را بعهده گرفته اند. رژیم ایران در حال حاضر نقش کمکی دارد. برای امپریالیسم، یافتن دریچه ای برای نفوذ در منطقه و مستقر شدن در مرز شوروی، اهمیتی بیش از گذشته یافته است.

دفاع و واگذاری چنین قدرت وسیعی به وی، عملاً به معنای سپردن قدرت دولتی به یک دیکتاتوری نظامی است. با ایجاد این دیکتاتوری نظامی، همان اقدامات محدودی هم که از جانب دولت افغانستان تاکنون انجام شده، بیا متوقف مانده و با کلاً به فراموشی سپرده شده است.

نقش کشورهای خارجی در افغانستان

کشورهای خارجی و قبل از همه پاکستان و ایران کوشش میکنند که سایر کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی را نیز به دخالت مستقیم در مسائل داخلی این کشور تشویق کنند. در حالی که اپوزیسیون مترقی در پاکستان تحت شدیدترین فشارها قرار دارد، طرفداران سازمانهای اسلامی افغانستان از آزادی کاملی در این کشور برخوردار بوده و برای آنان مقر فرماندهی - مرکز تبلیغاتی و آموزشی و... در نظر گرفته شده است. دولت نظامی پاکستان نیز کمک به مسلمانان افغانستان را رسماً تأیید کرده و از سایر کشورهای اسلامی نیز خواسته است، که علیه دخالت کمونیستها در کشورهای اسلامی فعالیت های مشترکی را آغاز کنند. ایران نیز اگر چه رسماً دخالتی در افغانستان ندارد، ولی غیرمستقیم، از طریق تقویت معنوی، جناحهای ارتجاعی در این کشور و ارسال نیروهای نظامی تعلیم دیده، بصورت مخفیانه به کوشش در تسریع پیروزی این جناح بر علیه رژیم تره کی ادامه میدهد. اما واضح است که نقش عمده همچنان در دست ضیاء الحق است و اوست که ماموریت اصلی بازگرداندن افغانستان به اردوگاه امپریالیستی را بعهده گرفته است. به همین دلیل نیز اتفاقی نیست که در اوایل فروردین ماه سال جاری دولت فرانسه به شورای نظامی پاکستان ۳۲ فروند جت میسراژ تحویل داد. در حالیکه پاکستان در مقابل فقط ۲۵٪ بهای آنها نقداً و بقیه را به اقساط بسیار طولانی پرداخت خواهد کرد. انعقاد قرار داد ایجاد کارخانه اورانیوم در پاکستان توسط فرانسه، بخش دیگری از این کمک است.

سیاسی رسی بسیار ضعیف و کم مایه است. البته، در مرحله ی فعلی بیشتر بحث بر سر یاد دادن الفبای فرهنگ مارکسیستی و سوسیالیستی به جماعت است و نه هدایت و سازمان دهی سیاسی آنها. در عوض رسانه های گروهی سرگرم تبلیغ شخصیت تره کیاند که "رهبر بزرگ و پیشرو مردم" است، یا سرگرم تبلیغ در باره دیلماج تره کی یعنی آقای امین، که چهاردهمین سالگرد سیس حزب دمکراتیک و مردمی افغانستان را بدل به تظاهرات به افتخار خویش نمود" (به نقل از روزنامه آزادی شماره ۲).

از آذر سال گذشته "جمعیت اسلامی و حزب اسلامی"، هر دو از سازمانهای مخفی و متعصب طرفدار زمیندارهای بزرگ فعالیت گسترده ای خود را علیه دولت مرکزی آغاز کرده اند. تقریباً از همان زمان "مهاجرین و فراریان افغانی در پاکستان"، تحت کارگردانی ضیاء الحق، در سربازخانه های این کشور، تعلیمات نظامی را فرا گرفته و به کمک دو حزب فوق میثابند. از ماه بهمن سازمانها مختلف مذهبی در افغانستان با یکدیگر متحد شده و "جبهه آزادیبخش افغانستان" را پی ریزی کرده اند که مدافعان شده ی آن جهاد علیه "باند کمونیستهای بی خدا" و "ایجاد جمهوری اسلامی در افغانستان" است.

دولت افغانستان مدتهای طولانی، در مورد فعالیت های این جناحها سکوت کرده و به اعلامیه های خوشبینانه متوسل میوزید. اما پس از مدتی وجود جنگ رسماً از جانب دولت تأیید شده است. راهی را که دولت افغانستان بنا بر ماهیتش برای مقابله با شورشیان انتخاب کرده، گسترش امکانات نظامی و استفاده وسیعتر از ابزارهای مدرن جنگی است. قدرت در افغانستان عملاً به ارتش واگذار شده است. به موجب همین فرمان اس شورا، تمام قدرت ارتش را در اختیار دارد و اعاده ی نظم و آرامش کاملاً به وی واگذار شده است. این شورا، از جانب هیچ مقامی کنترل نشده و صرفاً از جانب رئیس جمهور منصوب شده است. ایجاد این شورای عالی